

مجموعه شعر

کاشکی این زندگی یک خواب بود

علی قدیمی

سرشناسه	: قدیمی، علی
عنوان و هیدر	: کاشکی این زندگی یک خواب بود/ علی قدیمی
مشخصات نشر	: تهران : انتشارات قاضی ، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.
شابک	: 964-6359-63-9
یادداشت	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۲
موضوع	: شعر منشور فارسی -- قرن ۱۲
رده بندی کنگره	: PIR81۷۲/۵۸۵۷۲ ۱۳۸۵
رده بندی دیویی	: ۸۶۱/۶۲
شماره کتابخانه ملی	: ۸۵۰۱۳۵۲۲ م

نام کتاب: مجموعه اشعار کاشکی این زندگی یک خواب بود

ناشر: انتشارات قاضی

نویسنده : علی قدیمی، کارشناس علوم سیاسی، E mail samer 9988@ yahoo.com

Samir 57 blogfa

طراحی : امین اصفهانی زاده

طرح جلد: آرش صالحی

سال چاپ : ۱۳۸۶

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۲۰۰۰

لیتوگرافی: روشن

چاپخانه: کیاتقش

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

فهرست :

صفحه ۷ به نام مهربان ۸ سلام ۹ کلاغ ۱۱ تصویر اهورایی ۱۳ جدایی ۱۵ مرد شاعر ۱۷ زندگی
۱۹ همه جا ساکت و سرد ۲۱ سردرد ۲۳ رفیق مهربان ۲۵ در خیابان ۲۷ روزنامه خبر شومی
داد ۲۹ حادثه خوب ۳۱ دل خون ۳۳ متولد که شدم ۳۶ بوی بارون ۳۷ میلی به گفتن ۴۱
مجنون ۴۵ صفای زندگی ۴۷ کاشتی منو ۵۰ خاطر آسوده ۵۲ به عالم شاد بودن ۵۴ مرد تنها
۵۶ دیگه فهمیدم ۵۸ جوون ۶۰ چه تصویر بدی ۶۱ منو تنها رها کردی ۶۳ روزهای تکراری ۶۵
فکر سراب ۶۷ صدای ساز چوپون ۷۰ گل مریم ۷۲ غربت ۷۵ دریا ۷۷ آواز غمگین ۷۹ مسافر
۸۰ چای دم کرد ۸۲ انهدام لذت ۸۳ خیلی بد تنها بشی ۸۵ رفاقت ۸۷ قصد سفر ۸۸ صدای
آه و ناله ۸۹ سنگ قبر ۹۰ اگر در غم شدم ۹۲ ساقی غم من ۹۳ کاشکی این زندگی ۹۴ علی
همیشه ۹۶ قفل دل ۹۷ کاش کودک بودم ۹۹ حافظا غم زده ام ۱۰۰ به یاد کاتبان عشق
۱۰۲ صبر من ۱۰۳ آخرین شعر ۱۰۵ هنگامه ای دگر ۱۰۷ اگر دل خسته ای ۱۰۸ نداشتن نا
بگم ۱۰۹ در میان باغ ۱۱۰ کبوتر ۱۱۳ غصه دارم ۱۱۵ شرمنده ۱۱۶ دل تنگی
۱۱۷ در غم فرورفته ۱۱۸ منتظرم که اون بیاد ۱۲۱ مادر ۱۲۳ یه سنت فشنگ ۱۲۵ لیلیا
۱۲۸ تماشا ۱۲۹ کودکی ۱۳۰ اگر تنها شدم ۱۳۱ خیال نکن ۱۳۲ میشه یکی جواب بده
۱۳۳ مدتی طولانی است ۱۳۴ عطر بهتر ۱۳۵ ای غریبه ۱۳۶ رفتی باشه ۱۳۷ عرق گرم
تابستان ۱۳۸ گل چهره ۱۳۹ کودکان فقر ۱۴۰ آسمون ابر گرفته ۱۴۲ خواب ۱۴۳ حسرت
۱۴۴ عجب حالی و احوالی ۱۴۵ فصل جوانی ۱۴۷ خسته ام ۱۴۸ برو لیلیا ۱۴۹ شکایت می
کنی ۱۵۱ تحمل کن اگه ۱۵۳ ابد و بدتر ۱۵۴ چه سخت آدم ۱۵۶ اگر چه خسته ام اما
۱۵۹ اگر در جهان

بعض زیاد و دل تنگ و مجال اندک

کبوتری در بندر شقایق خشکیده دلی رنجیده جسمانی منتظر

بعض از درد لها و غمها است که هیچو بعضی در آرزوی گریستن مانده شکایت اند

غربتی است که به زندگی دچار گشته و سرریانی کبیا شده

بی ریا و ساده می گویم کاشکی این زندگی بک خواب بود

چرا! می خواهیید بدانید!

پس باید بخوانید بی داور هیچ نگوید نه بد و نه حتی خوب فقط بشنوید و ببینید

فراوان آدمیانی که ما هرگز به خود فرصتی برای شنیدنشان نداریم و بشنجان مانسیم

و گاه به مقام بشیمانی هم نرسیدیم اگر می خواهیید این گونه نماند اگر می خواهیید

دیگران نتوانشان باشند باید بینا شوید اما نه مانند قبل با عقل و داوریهایتان تنوا با

نگاهی سرریان دلی پاک و روحی آرام بی هیچ و با هیچ شاید که بیابیم خودی را که دور

است زیاد از ما شاید بشود نگوید هیچ کی کاش این زندگی بک خواب بود

آرزو مندم همیشه خندان و دانا بانید

علی قدیمی